پیام مسجد

با محوریت نهج‌البلاغه

شرح حکمت 421 تا 450

هر روز یک حکمت

عقل كافى

قال امیرالمؤمنین(ع): «كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سُبُلَ غَيِّكَ مِنْ رُشْدِكَ (حکمت421 ) ؛

اين مقدار از عقل تو براى تو كافى است كه راه‌هاى گمراهى را از راه سعادت براى تو واضح و روشن سازد ».

مقدمه:

عقل به دو بخش عملی و نظری تقسیم می‌شود، كه انسان به وسيله عقل نظری دقايق معانى و مسائل عميق علمى را درك مى‌كند و مى‌تواند نوآورى‌ها و ابتكارات فراوانى در علوم مختلف از خود به يادگار بگذارد، عقل عملی که تشخیص خیر از شر و ترک شر و انجام خیر می‌باشد، بسيار خوب است و مهم و تأثيرگذار ولى براى نجات انسان كافى نيست و چه بسيار عالمان بزرگى در فنون مختلف بودند كه گرفتار انحرافاتى شدند.

نکته‌ها:

\* «غى » به نوعى از گمراهى اطلاق مى‌گردد كه از فساد عقيده سرچشمه مى‌گيرد یعنی گمراهى توأم با اعتقاد فاسد است، «رُشد » در لغت به معناى راه يافتن به مقصد و رسيدن به واقع است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* راه عقل مطمئن‌ترین و دقیق‌ترین راه رسیدن به کمال و سعادت است (كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ... ).

\* عقل، خود دارای حد است اما انسان‌ها را به مقام بی‌حدی و لایَقِفِی می‌رساند.

\* انتخابات درست و کسب سعادت حقیقی با عقل تربیت شده بر مبنای قرآن و اهل بیت(ع) است.

\* عقل، چون نور روشن کننده ابهامات است (مَا أَوْضَحَ لَكَ سُبُلَ غَيِّكَ مِنْ رُشْدِكَ ).

\* مراد از عقل در عبارت «كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ... » عقل عملی انسان است (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* رسول‌الله(ص) در كافى ج 1 می‌فرمايد: «هنگامى كه به شما خبر برسد كه فلان شخص داراى حالت خوبى است، به آن قناعت نكنيد و نگاه به خوبى عقل او كنيد چراكه جزاى اعمال به مقدار عقل است».

كار نيك، كمش، بسيار است

قال امیرالمؤمنین(ع): «افْعَلُوا الْخَيْرَ وَ لَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئاً فَإِنَّ صَغِيرَهُ كَبِيرٌ وَ قَلِيلَهُ كَثِيرٌ وَ لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ إِنَّ أَحَداً أَوْلَى بِفِعْلِ الْخَيْرِ مِنِّي فَيَكُونَ وَ اللَّهِ كَذَلِكَ إِنَّ لِلْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَهْلًا فَمَهْمَا تَرَكْتُمُوهُ مِنْهُمَا كَفَاكُمُوهُ أَهْلُهُ (حکمت422 ) ؛

كار خير را انجام دهيد، و كم آن را نيز ناچيز ندانيد، زيرا كوچك آن، بزرگ و كم آن زياد است نبايد كسى از شما بگويد ديگرى از من به انجام كار نيك سزاوارتر است، اگر چنين بگويد به خدا سوگند كه چنان خواهد شد، زيرا هر يك از خير و شر اهلى دارد و هرگاه شما يكى از آنها را ترك گوييد به جاى شما اهلش آن را انجام خواهند داد ».

مقدمه:

بسيارند اشخاصى كه وقتى به كارهاى نيك كوچك برخورد می‌كنند بی‌اعتنا از كنار آن می‌گذرند، در حالى كه گاهى همين كارهاى كوچك، سرنوشت‌ساز است، ممكن است جرعه آبى تشنه‌اى را از مرگ نجات دهد يا مقدار كمى دوا مايه نجات انسانى از مرگ شود، اضافه بر اين اگر همه مردم حتى به كارهاى نيك كوچك اهميت دهند، قطره قطره جمع می‌شود و تبديل به دريايى از خير و خيرات می‌گردد.

نکته‌ها:

\* موفقیت و زیرکی این است که در کار خیر سبقت گرفت (افْعَلُوا الْخَيْرَ وَ لَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئاً... ).

\* اطاعت از فرمان خدا از هر چیزی برتر و نافرمانیش از هر چیزی بدتر است (افْعَلُوا الْخَيْرَ وَ لَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئاً... ) (منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة آیةالله خوئى ).

\* اعمال انسان هم کمی و هم کیفی هردو مورد حساب است هرچند کیفیت در اولویت است (...فَإِنَّ صَغِيرَهُ كَبِيرٌ وَ قَلِيلَهُ كَثِيرٌ... ).

\* توفیق انجام کار خیر، نعمتی از جانب الله است.

\* بهانه‌جویی و تنبلی در انجام کار خیر نوعی ناشکری است که باعث سلب توفیق از کار خیر می‌شود.

\* قرآن مجيد در سوره انعام آيه 89 می‌فرماید: «آنها (پيامبران ) كسانى هستند كه كتاب و حكم و نبوّت به آنان داديم، و اگر (اين گروه ) به آن كفر ورزند، كسان ديگرى را نگاهبان آن می‌سازيم كه به آن، كافر نيستند ».

\* مراد از عبارت «...إِنَّ لِلْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَهْلًا فَمَهْمَا تَرَكْتُمُوهُ مِنْهُمَا كَفَاكُمُوهُ أَهْلُهُ » اين است كه اين دو هركدام طالبانى دارد شما به سوى نيكى‌ها و مبارزه با بدى‌ها برويد (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

اگر رابطه خود را با خدا اصلاح كنی

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ وَ مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ (حکمت423 ) ؛

هركس باطن خود را اصلاح كند، خداوند ظاهر او را بيارايد، و هر كس براى دينش كار كند، خداوند دنياى او را كفايت كند، و هر كس ما بين خود و خدا را نيكو گرداند، خداوند بين او و مردم را نيكو سازد ».

مقدمه:

مردم معمولاً خواهان سه چيزند: آراستگى ظاهر، تأمين امر معاش و حسن رابطه با ساير مردم، البته رابطه وثيق ميان ظاهر و باطن، روح و جسم، و سريره و علانيه ايجاب می‌كند كه حسن باطن تأثير در حسن ظاهر بگذارد، البته خداوند نيز در اين امر امداد و كمك می‌كند و به يقين با امداد الهى ظاهر انسانى که در اصلاح خویش است نيز اصلاح خواهد شد.

نکته‌ها:

\* همه چیز در عالم چنان به هم پیوسته‌اند که کارهای پنهانی انسان نیز در ظاهر اجتماع تأثیر دارد.

\* عمل به دين تنها منحصر به نماز و روزه نيست، بلكه سعى براى تحصيل روزى حلال و انجام واجبات و ترک محرمات است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* قرآن مجيد در سوره طلاق آیات2و3 می‌فرمايد: «و هركس تقواى الهى پيشه كند، خداوند راه نجاتى براى او فراهم می‌كند، و او را از جايى كه گمان ندارد روزى می‌دهد، و هركس بر خدا توكّل كند، كفايت امرش را می‌كند، خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و خدا براى هرچيزى اندازه‌اى قرار داده است ».

\* سعادت در انجام کامل دین است نه بخشی از دین (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* كسانى که ظاهراً اهل دين‌اند ولى دنياى آنها بسیار کم است، يا به بخشى از دین بسنده كرده‌اند يا درگير آزمونى از آزمون‌هاى الهى هستند و يا سری ديگر در میان است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* روابط ظاهری و باطنی (قلبی ) انسان‌ها به دست خداست و خوب و بد بودنش را اعمال ما تعیین می‌کند.

نقش حلم و عقل

قال امیرالمؤمنین(ع): «الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ وَ الْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ وَ قَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ (حکمت424 ) ؛

حلم، پرده پوشاننده‌اى است و عقل شمشيرى بر آن، پس عيب‌هاى اخلاقى‌ات را با بردبارى بپوشان، و هواى نفست را با شمشير عقل نابود ساز ».

مقدمه:

حلم، یکی از سربازان عقل است، در واقع حلم ظهور عقل است، یعنی کسی که عقل در او فعال و جاری است نشانه‌اش این است که دارای صفت حلم است.

نکته‌ها:

\* انسان براى حفظ خود دربرابر خطرات مادى و معنوى هم به دفاع نیاز دارد و هم به حمله، که حلم دفاع است و عقل حمله به بدی‌ها (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* قرآن مجيد در سوره آل عمران آيه 134 درباره پرهيزكاران راستين می‌فرماید: «وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ؛ آنهايى كه بر خشم خود مسلط مى‌‌شوند و غضب خود را فرو مى‌نشانند و مردم را مى‌بخشند ».

\* غضب بیجا باعث ظاهر شدن عیوب انسان است (فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ ).

\* اولین و بهترین کار برای از بین بردن عیوب پوشاندن آن است (فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ ).

\* خداوند بیان و آشکار کردن عیوب نزد دیگران را نمی‌پسندد.

\* خطرناك‌ترين دشمن  انسان هواى نفس اوست و تنها چيزى كه مى‌تواند در مقابل اين دشمن بسيار خطرناك بايستد همان عقل اوست (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* عقل محدودکننده انسان نیست، بلکه باعث ارتقاء انسان است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

واسطه‌هاى فيض

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً يَخْتَصُّهُمْ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيُقِرُّهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَذَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ (حکمت425 ) ؛

خداوند بندگانى دارد كه آنها را ويژه نعمت‌هايى كرده است تا بندگانش را سود رسانند پس آن نعمت‌ها را در دسترس آنها قرار مى‌دهد، تا ببخشند، و هرگاه به كسى چيزى از آنها ندهند، آن نعمت‌ها را از ايشان باز مى‌ستاند و به ديگران منتقل مى‌سازد ».

مقدمه:

بندگان ضعيفى پيدا مى‌شوند كه توانايى مديريت اموال خود را ندارند خداوند اين مديريت را به افرادى مى‌سپارد كه توان آن را دارند و در واقع سهم بندگان ضعيف را در اختيار بندگان قوى قرار مى‌دهد تا آن را مديريت كنند و به هنگام نياز به آنها بپردازند در واقع آنها وكيلان خداوند درآن اموال هستند.

نکته‌ها:

\* ثروتمند سخاوتمند عبد شکور و وسیله روزی‌رسانی خداست (إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً يَخْتَصُّهُمْ بِالنِّعَمِ ).

\* سخاوت و بخشش باعث کم شدن نعمت نمی‌شود، بلکه جود باعث فزونی است حتی در دنیا و اموال (فَيُقِرُّهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَذَلُوهَا ).

\* بخل باعث فقر و نقصان خود بخیل است (فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ ).

\* خداوند درحديث قدسى در کتاب جامع الاخبار می‌فرماید: «اموال، متعلق به من است و فقرا تحت كفالت من قرار دارند و اغنيا وكيلان من هستند و اگر از دادن اموال من به آنها كه تحت تكفل من‌اند خوددارى كنند آنها را وارد دوزخ مى‌كنم و اهميتى نمى‌دهم ».

\* عبارت«...فَإِذَا مَنَعُوهَا... » مصداق ناشکری اغنیاء در اموال و دارایی است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* امام صادق(ع) در کتاب كافى ج4 فرمود: «يكى از عوامل بقاء اسلام و مسلمانان اين است كه ثروت‌ها نزد كسانى باشد كه حق را در آن بشناسند و كارهاى نيك انجام دهند و يكى از عوامل فناء اسلام و مسلمين اين است كه ثروت‌ها در دست كسانى باشد كه حق را در آن نشناسند و نيكى نكنند ».

بى‌اعتبارى اين دو نعمت

قال امیرالمؤمنین(ع): «لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصْلَتَيْنِ الْعَافِيَةِ وَ الْغِنَى بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافًى إِذْ سَقِمَ وَ بَيْنَا تَرَاهُ غَنِيّاً إِذِ افْتَقَرَ (حکمت426 ) ؛

سزاوار نيست برای بنده‌ایی كه به دو چيز پشت‌گرم باشد: تندرستى و مالدارى، زيرا در همان ميان كه او را تندرست مى‌بينى ناگهان بيمار، و در آن بين كه وى را مالدار مى‌بينى ناگهان تنگدست مى‌شود ».

مقدمه:

انسان بسيار آسيب پذير است، يك ميكروب بسيار كوچك و از آن كوچكتر يك ويروس كه با چشم مسلّح نيز به زحمت ديده مى‌شود ممكن است انسانى را از پاى درآورد، بيمارى بسيار خطرناك سرطان، از طغيان يك سلول در بدن شروع مى‌شود كه رشد و نمو پى درپى می‌كند و تبديل به غده‌اى سرطانى مى‌شود و انسان قدرتمندى را از پاى درمى‌آورد.

نکته‌ها:

\* عبد، به کسی می‌گویند که تسلیم محض الله باشد یعنی تمام کارهایش بر مبنای دستورات قرآن و أئمه(ع) است.

\* نشانه عبد محض این است که مخلوقین ممکن‌الوجود را فانی و غیر قابل اعتماد و فقط وجه‌الله را باقی می‌بیند (لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصْلَتَيْنِ الْعَافِيَةِ وَ الْغِنَى... ).

\* شناخت حقیقی نقص و ضعف دنیا باعث قطع تعلق از دنیاست (لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصْلَتَيْنِ الْعَافِيَةِ... ).

\* کسی که به دنیا دل ببندد با اینکه در سلامت جسم است اما دچار بیماری رذایل اخلاقی روحی است (بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافًى إِذْ سَقِمَ ).

\* انسان در عین حالی که تمام عالم تحت مالکیت او است فقیر و محتاج خداست (بَيْنَا تَرَاهُ غَنِيّاً إِذِ افْتَقَرَ ).

\* عبارت «لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصْلَتَيْنِ الْعَافِيَةِ وَ الْغِنَى... » هشدارى است به همه انسان‌ها كه در زندگى دنيا گرفتار غفلت و غرور نشوند (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

مشكل خود را با خدا بگو

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَنْ شَكَا الْحَاجَةَ إِلَى مُؤْمِنٍ فَكَأَنَّهُ شَكَاهَا إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ شَكَاهَا إِلَى كَافِرٍ فَكَأَنَّمَا شَكَا اللَّهَ (حکمت427 ) ؛

هركس از داشتن نيازى به نزد مؤمنى شكوه كند، چنان است كه شكوه آن را به خدا نموده است و هر كس نزد كافرى گله كند، مثل آن است كه از خدا گله كرده است ».

مقدمه:

كسى كه نزد برادر ايمانى خود مى‌رود و از گرفتارى‌ها و مشكلات خويش سخن مى‌گويد هرگز تعبيراتى را كه دليل بر ناشكرى و ناسپاسى باشد به كار نمى‌برد بلكه هدفش اين است كه با طرح مشكل خود از آن برادر كمك بطلبد و پناه بردن برادران ايمانى به يكديگر در مشكلات، كار خلافى نيست بلكه مفهوم تعاون و همكارى همين است كه هر كس در مشكلات به يارى ديگرى برخيزد.

نکته‌ها:

\* مراد از «مُؤْمِنٍ » انسان کاملی است که دارای کمالات کامل الهی و آئینه نمایش خداست (مَنْ شَكَا الْحَاجَةَ إِلَى مُؤْمِنٍ فَكَأَنَّهُ شَكَاهَا إِلَى اللَّهِ ).

\* بیان حاجت به مؤمن حقیقی، شرک و گناه نیست (مَنْ شَكَا الْحَاجَةَ إِلَى مُؤْمِنٍ فَكَأَنَّهُ شَكَاهَا إِلَى‌اللَّهِ ).

\* حاجات انسان‌‌ها با واسطه انسان کامل و اسباب دیگر از جانب خدا برآورده می‌شود.

\* بیان اسرار شخص پیش دشمنانش بی‌ادبی و دشمنی با آن شخص است (مَنْ شَكَاهَا إِلَى كَافِرٍ فَكَأَنَّمَا شَكَا اللَّهَ ).

\* انسان کامل به إذن‌الله به مقام رفع حاجت می‌رسد (مَنْ شَكَا الْحَاجَةَ إِلَى مُؤْمِنٍ فَكَأَنَّهُ شَكَاهَا إِلَى اللَّهِ ).

\* طبق آيه 86 سوره یوسف: «من غم و اندوهم را تنها به خدا مى گويم » واژه «شكايت » به معناى ابراز ناراحتى و گله نيست زیرا هرگز حضرت يعقوب(ع) در برابر خداوند گله نكرد بلكه مشكلات و گرفتارى‌هاى خود را بازگو نمود (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

عيد واقعى

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَ شَكَرَ قِيَامَهُ وَ كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ (حکمت428 ) ؛

امروز براى كسى عيد است كه خداوند روزه‌اش را قبول كرده و به نمازش پاداش داده است، و هر روز كه در آن روز معصيت خدا را نكنند، آن روز عيد است ».

مقدمه:

حقيقت اين است كه همه مردم جهان براى خود روزهاى شادى خاصى دارند كه آن را عيد مى‌نامند، مانند عيد نوروز كه تحول جالبى در جهان طبيعت رخ مى‌دهد، اما در اسلام، اعياد به دنبال اطاعت اوامر مهم الهى قرار دارد، در عيد فطر، ملت مسلمان بعد از يك ماه روزه داشتن به فرمان خدا جشن مى‌گيرند، در عيد قربان كه دومين عيد اسلامى است بعد از انجام فريضه حج توسط زوار خانه خدا عيد مى‌گيرند و ساير مسلمانان نيز با آن‌ها هم صدا مى‌شوند و آن را روز عيد اعلام مى‌كنند كه آن هم عيد اطاعت است.

نکته‌ها:

\* عمل خالص مقبول انسان را به سوی خدا برمی‌گرداند (إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهُ صِيَامَهُ ).

\* کسی که روزه‌اش خالص و کامل و مقبول باشد عید حقیقی برایش حاصل می‌شود، یعنی باید آثار آن در جان و زندگیش ظاهر شود.

\* ترک حرام، صعود انسان إلی‌الله را کامل می‌کند (كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ ).

\* عبادات وسیله استقرار توحید در انسان است، لذا شخص متکبر حقیقت عبادت را درک نکرده است (إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهُ صِيَامَهُ ).

\* عبارت «إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهُ صِيَامَهُ... » اشاره به این دارد که یکی از راه‌های رواج عبادت تشویق و شادی در غالب عید است (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* بیان عبارت «كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ » بعد از عبارت «إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهُ صِيَامَهُ... » یعنی صوم حقیقی ترک جمیع حرام و ماسوی است.

بزرگ‌ترين حسرت

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنَّ أَعْظَمَ الْحَسَرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَوَرِثَهُ رَجُلٌ فَأَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ وَ دَخَلَ الْأَوَّلُ بِهِ النَّارَ (حکمت429 ) ؛

بزرگترين حسرت‌ها در روز قيامت، حسرت آن كسى است كه مالى را از راه حرام به دست آورده، و كسى آن را از وى به ارث برده و در راه بندگى خدا صرف كرده باشد و بدان سبب وارد بهشت گردد، امّا او كه خود فراهم آورنده مال بوده است وارد جهنم شود ».

مقدمه:

حسرت، یعنی پشیمانی از نحوه انجام عمل در گذشته یا عدم انجام کار خوب و یا پشیمانی از انجام گناهی ، و این که دوست داشته باشد گذشته را جبران کند.

نکته‌ها:

\* حسرت در همه انسان‌ها جز چهارده معصوم(ع) است.

\* حسرت شدت و ضعف دارد یعنی دارای مراتب است(إِنَّ أَعْظَمَ الْحَسَرَاتِ ).

\* بزرگ‌ترین حسرت آن است که کار به پایانش رسیده باشد و راه جبران همه بسته شود (إِنَّ أَعْظَمَ الْحَسَرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ).

\* یکی از نام‌های یوم‌القیامة یوم‌الحسرة است لذا حسرت به تمام مراتب و انواعش وجود دارد.

\* روز قیامت فی‌نفسه روز حسرت نیست بلکه با توجه به حال انسان‌ها و نحوه حضور آنها، به این نام نامیده می‌شود.

\* حسرت انسان در علم نیز وجود دارد یعنی اگر همگان از علم و نصیحت‌های علما به کمالات برسند اما خودش بی بهره بماند حسرت دارد (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

زيانكارترين انسان‌ها

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنَّ أَخْسَرَ النَّاسِ صَفْقَةً وَ أَخْيَبَهُمْ سَعْياً رَجُلٌ أَخْلَقَ بَدَنَهُ فِي طَلَبِ مَالِهِ وَ لَمْ تُسَاعِدْهُ الْمَقَادِيرُ عَلَى إِرَادَتِهِ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِحَسْرَتِهِ وَ قَدِمَ عَلَى الْآخِرَةِ بِتَبِعَتِهِ (حکمت430 ) ؛

زيانكارترين مردم در معامله، و نااميدترين فرد در تلاش و كوشش آن كسى است كه براى رسيدن به آرمان‌هايش جسمش را فرسوده كند، و مقدّرات او را در رسيدن به خواسته‌اش يارى ننمايند، پس با حسرت و افسوس از دنيا برود و با گناهان خود وارد آخرت شود ».

مقدمه:

قرآن و اسلام با سعی و تلاش مخالف نیستند، اما مهم این است که آدمی کوشش‌هایش را در چه راه و هدفی صرف می‌کند، اگر نیت و مسیر حلال باشد پیروز وگرنه شکست است، به تعبیر شاعر، تو اگر هوی‌پرستی همه زحمت است و زحمت \* اگر از هوی جهستی همه رحمت است و رحمت.

نکته‌ها:

\* کم کاری و افراط در کار و کسب زندگی هر دو قبیح و ضرر است.

\* موفقیت انسان در این است که تدابیرش را با تقدیر الهی تطبیق دهد.

\* کسب حلال باعث برکت در کم و کیف زندگی است و حرام برکت را می‌برد، لذا انسان هرچه تلاش کند به هدف و آرامش نمی‌رسد.

\* قرآن مجيد در آيه 167 سوره بقره مى‌فرماید: «خداوند اين گونه است كه اعمال آنها را به صورت مايه حسرت به آنان نشان مى‌دهد و هرگز از آتش خارج نخواهند شد ».

\* در سوره والعصر نيز تصريح شده كه همه انسان‌ها در خسران و زيان‌اند جز گروهى كه برنامه مشتمل بر چهار ماده دارند: ايمان، عمل صالح، دعوت به سوى حق و دعوت به استقامت (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

طالبان دنيا و طالبان آخرت

قال امیرالمؤمنین(ع): «الرِّزْقُ رِزْقَانِ طَالِبٌ وَ مَطْلُوبٌ- فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ عَنْهَا وَ مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ رِزْقَهُ مِنْهَا (حکمت431 ) ؛

روزى دو قسم است: يكى آن كه در پى تو است و ديگرى آن كه تو در پى آنى، پس كسى كه خواهان دنياست مرگ او را مى‌طلبد تا از دنيا ببردش، و كسى كه طالب آخرت است دنيا او را مى طلبد تا وى از آن روزى خود را كامل ببرد ».

مقدمه:

تجربه‌ در زندگى به ما نشان داده است كه گاه روزى‌هاى فراوانى بى آن كه انسان به دنبال آن برود و يا تلاش زيادى داشته باشد به او می‌رسد و گاه به عكس، تمام تلاش خود را براى رسيدن به اموال و ثروت‌هايى به كار مى‌گيرد و گاه بخش مهمى از عمر خودش را در اين راه صرف می‌كند ولى هرگز به آن نمى‌رسد و ناكام از دنيا مى‌رود.

نکته‌ها:

\* تقسیم رزق به دو قسم، به اعتبار حال مرزوق است (منهاج‌البراعة في شرح نهج‌البلاغة آیةالله خوئى ).

\* روزی‌ایی که نیاز واقعی و مقدر انسان است بی طلب می‌رسد (مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ رِزْقَهُ مِنْهَا ).

\* در روایات فرمودند: روزی مقدر آن است که از گلوی انسان پائین می‌رود و باعث قوت بدن است.

\* معنای عرفانی عبارت «طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ عَنْهَا » این است که هر کس در دنیا تلاش کند نهایتا از دنیا خسته شده و قطع تعلق می‌کند.

\* دنياپرستان غالباً به اهداف خود نمى رسند (...فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ... ) بعکس هرقدر در دنیا تلاش کنند عطش آنها فزون‌تر مى‌شود (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* معنای عبارت «...فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ عَنْهَا... » اين نيست كه براى تأمين زندگى ساده خود تلاش نکنیم، بلكه باید حرص براى رسيدن به اموال بیشتر را كنار بگذاریم (جلوه تاريخ درشرح نهج‌البلاغه ابن ابى‌الحديد ).

دوازده صفت اولياءالله

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا وَ اشْتَغَلُوا بِآجِلِهَا إِذَا اشْتَغَلَ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا خَشُوا أَنْ يُمِيتَهُمْ وَ تَرَكُوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَتْرُكُهُمْ وَ رَأَوُا اسْتِكْثَارَ غَيْرِهِمْ مِنْهَا اسْتِقْلَالًا وَ دَرَكَهُمْ لَهَا فَوْتاً أَعْدَاءُ مَا سَالَمَ النَّاسُ وَ سَلْمُ مَا عَادَى النَّاسُ بِهِمْ عُلِمَ الْكِتَابُ وَ بِهِ عَلِمُوا وَ بِهِمْ قَامَ الْكِتَابُ وَ هُمْ بِهِ قَامُوا لَا يَرَوْنَ مَرْجُوّاً فَوْقَ مَا يَرْجُونَ وَ لَا مَخُوفاً فَوْقَ مَا يَخَافُونَ (حکمت432 ) ؛

دوستان خدا كسانى هستند كه به باطن دنيا نگاه كنند، آن گاه كه مردم به ظاهر آن مى‌نگرند و به پايان آن بپردازند، وقتى كه مردم به وضع حاضر آن مشغولند، پس نابود می‌سازند آنچه را كه مى‌ترسند آنها را نابود سازد، و ترك مى‌كنند آنچه را كه مى‌دانند آنها را ترك خواهد كرد، و مى‌بينند كه بهره بردارى فراوان ديگران از دنيا، كم بهره بردن است و دريافتن دنيا توسط ايشان، از دست دادن آخرت است، آنان با آنچه مردم در صلحند دشمن، و با آنچه مردم با آن دشمنند در صلح مى‌باشند به وسيله ايشان كتاب آسمانى شناخته شده و به وسيله كتاب آنها شناخته شدند، و به وسيله آنها كتاب پايدار، و به وسيله كتاب آنها جاودانه شدند، اميدى بالاتر از اميدشان و ترسى بيشتر از ترس ايشان قابل تصوّر نيست ».

مقدمه:

اولیاء، از ریشه ولی است و به دو معناست، یکی به معنای سرپرست، و دیگر اینکه کسی که تحت سرپرستی دیگری باشد، وقتی که اولیاء را به الله اضافه می‌کنیم، به معنای این است که کسی تحت ولایت و سرپرستی الله می‌‌باشد، یعنی هر چه الله بخواهد انجام داده و تمام نیازهایش را از او خواسته و با او نیازهایش را برطرف می‌کند.

نکته‌ها:

\* صورت كامل و جامع عبارت «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ... » در درجه اوّل ناظر به امامان معصوم(ع) مى‌باشد ولى مرتبه و مرحله‌اى از آن نيز در بزرگان علما وجود دارد (منهاج‌البراعة في شرح نهج‌البلاغة آیةالله خوئى ).

\* قرآن مجيد در سوره روم آيه 7 در مورد اهل دنیا مى‌فرمايد: «يَعْلَمُونَ ظَاهِراً مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الاْخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ؛ آنها فقط ظاهرى از زندگى دنيا را مى‌دانند و از آخرت غافل‌اند ».

\* عبارت «...إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا... » دال بر تعلق بیش از حد و افراطی اهل دنیا به دنیا و غفلتشان از آخرت است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* مراد ا عبارت «فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا خَشُوا أَنْ يُمِيتَهُمْ » این است که اولياءالله از غلبه نفس و شیاطین و مرگ قلب می‌ترسند (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* قرآن مجيد در سوره نمل آيه 80 درمورد قلب مرده دنياپرستانى می‌فرماید: «مسلّما تو نمى‌توانى سخنت را به گوش مردگان برسانى، و نمى‌توانى كران را هنگامى كه روى برمى‌گردانند و پشت مى‌كنند فراخوانى ».

\* مراد از عبارت «وَتَرَكُوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَتْرُكُهُمْ » وجه‌الخلق است، یعنی هرچیزی که دارای حد و محدودیت باشد با انسان نامحدود سنخیت ندارد (منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة آیةالله خوئى ).

\* مراد از عبارت «رَأَوُا اسْتِكْثَارَ غَيْرِهِمْ » رؤیت با بصر برزخی و رؤیت حقیقت برزخی و بالاتر اشیاء و اعمال است.

\* دنياپرستان با شهوات دنيا ولذات نامشروع آن پيوند دوستى دارند، اما اولياءالله با تقوا و پرهيزكارى و زهد و ايثار و فداكارى دوستى دارند (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* قرآن مجيد در سوره عنكبوت آيه 49 مى‌فرمايد: «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيناتٌ فى صُدُورِ الَّذينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ؛ ولى اين آيات روشنى است كه در سينه دانشوران جاى دارد ».

\* علت عبارت «وَ بِهِمْ قَامَ الْكِتَابُ وَ بِهِ قَامُوا » تبليغ قرآن و تبيين مفاهيم آن براى عموم مردم و اجراى دستورات آن، به وسيله اولیاءالله است (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* مؤید عبارت «وَ بِهِمْ قَامَ الْكِتَابُ وَ بِهِ قَامُوا » حديث ثقلين است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* رجاء فقط به الله است، و خوف هم فقط از فراق از الله است (لاَ يَرَوْنَ مَرْجُوّاً فَوْقَ مَا يَرْجُونَ، وَ لاَ مَخُوفاً فَوْقَ مَا يَخَافُونَ ).

لذات زودگذر و تبعات بسيار

قال امیرالمؤمنین(ع): «اذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَّاتِ وَ بَقَاءَ التَّبِعَاتِ (حکمت433 ) ؛

به خاطر داشته باشيد، بريده شدن لذّت‌ها و ماندن پيامدهاى ناروا را ».

مقدمه:

اين يك واقعيت است كه معاصى و گناهان لذت بخش، لذاتى ناپايدار و زودگذر دارند، يك فرد شراب‌خوار چقدر از آنچه مى‌نوشد لذت مى‌برد و يا زناكار لذتش از اين گناه چقدر زمان مى‌برد؟ و اين در حالى است كه آثار گناه و تبعات آن تا دامنه قيامت و در عرصه قيامت باقى و برقرار است و حتى تبعات و آثار سوء دنيوى آن نيز غالباً طولانى است.

نکته‌ها:

\* مراد از عبارت «اذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَّاتِ... » به قرينه «و بَقاء التَّبعات » لذات نامشروع و نامعقول است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* گناهان باعث بیماری جسمانی در دنیا می‌شوند (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* گناهان باعث سلب و رد رزق حلال می‌شود (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* جزا و عقاب بعد از جرم وگناه حاصل می‌شود و کسی قبل از گناه مجازات نمی‌شود (انْقِطَاعَ اللَّذَّاتِ وَ بَقَاءَ التَّبِعَاتِ ).

\* نظام هستی بر مبنای بقاء است و هرچه که باقی است اقتضایش این است که هر چیزی تبعات و آثار بعدی داشته باشد.

نخست او را بيازماى

قال امیرالمؤمنین(ع): «اخْبُرْ تَقْلِهِ، قال الرضى(رحمةالله علیه): و من الناس من يروى هذا لرسول الله(ص) و ممّا يقوى انه من كلام اميرالمؤمنين(ع) ما حكاه ثعلب، قال: حدثنا ابن الاعرابىّ قال: قال المأمون: لو لا انّ عليا(ع) قال: اخبر تقله لقلت انا، اقله تخبر (حکمت434 ) ؛

او را آزمايش كن تا دشمنش بدارى، سيدرضى مى‌گويد: بعضى از مردم اين سخن را از پيامبر(ص) نقل كرده‌اند، امّا آنچه تأييد مى‌كند كه اين سخن از اميرالمؤمنين است، آن است كه ثعلب از ابن اعرابى نقل كرده كه مأمون گفت: اگر نبود كه على(ع) فرمود: (اخبر تقله ؛ بيازما تا دشمن بدارى ) من مى‌گفتم: (اقله تخبر ؛ مردم را دشمن بدار تا بيازمايى ».

مقدمه:

بى شك يكى از نيازهاى انسان در زندگى، داشتن دوستان موافق و همراه است كه در برابر انبوه مشكلات به او كمك كنند، در مصائب مايه تسلى خاطر او گردند و در حضور و غياب مدافع او باشند زيرا انسانِ تنها در برابر اين حوادث زانو مى‌زند ولى در انتخاب دوست هرگز نبايد عجله كرد بلكه بايد نخست او را آزمود، اگر از آزمايش‌ها پيروز درآمد او را به دوستى برگزيد.

نکته‌ها:

\* عبارت «أُخْبُرْ تَقْلهِ » اصلی است برای کسب مُعَاشِر، یعنی همنشین، کسی که محرم اسرار انسان می‌شود لذا این اصل برای همگان صدق نمی‌کند.

\* مراد از «تَقْلِهِ » این است که خیلی با آن شخصی که در آزمونت پیروز نشد صمیمی نشده و او را محرم اسرارت نکنی.

\* اصل در روابط عادی اجتماعی بر حسن ظن است.

\* عبارت «أُخْبُرْ تَقْلهِ » درمورد جوامع آلوده يا گروه‌هاى خاص اجتماعى كه افراد منحرف در آن كم نيستند صادق است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* آزمايش، هميشه باعث دشمن داشتن افراد مورد آزمون نخواهد بود (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* تجسس زیاد در افراد باعث پی بردن به عیوب دیگران و کدورت و دشمنی است (منهاج‌البراعة في شرح نهج‌البلاغة آیةالله خوئى ).

گشايش درهاى اميد

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ وَ لَا لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الدُّعَاءِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْإِجَابَةِ وَ لَا لِيَفْتَحَ لِعَبْدٍ بَابَ التَّوْبَةِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْمَغْفِرَةِ (حکمت435 ) ؛

نمى‌شود كه خداوند به روى بنده‌اى درِ شكر بگشايد و درِ زيادت روزى را ببندد، و در دعا و خواستن را بگشايد، و در اجابت را ببندد، و در توبه را باز كند امّا در بخشش را ببندد ».

مقدمه:

نه خداوند بخيل است و نه اجابت دعا چيزى از او مى‌كاهد بلكه رحمانيت و رحيميت او ايجاب مى‌كند كه تمام تقاضاهاى بندگان را اجابت فرمايد و اگر گاهى اجابت دعا تأخير مى‌افتد و يا بعضى از دعاها به اجابت نمى‌رسد حتماً به دليل مصالحى است مثلا انسان از خدا چيزى مى‌خواهد كه دشمنِ جان اوست اما توجه ندارد خداوند چنين دعايى را مستجاب نمى‌كند و گاه چيزهايى مى‌خواهد اما موانعى مانند گناهان بزرگ جلوى اجابت آن را مى‌گيرد.

نکته‌ها:

\* اصولاً امكان ندارد خداوند دستور به چيزى بدهد و نتيجه آن را پذيرا نشود (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* شکر، همان بجا آوردن حق نعمت است.

\* شکر نعمت ظرفیت پذیرش نعمات بیشتر را وسعت می‌دهد.

\* خداوند نه بخیل است و نه اسراف‌کار است (مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ ).

\* عدم اجابت طلب شخصی یا از بخل است یا از غفلت است یا از فقر است و یانبودن مصلحتی برای اجابت، که در خداوند مورد آخر است.

\* قرآن در سوره بقره آیة186 می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِى ؛ هرگاه بندگان من درباره من از تو سؤال كنند (بگو:) من به آنها نزديكم و دعاى دعا كننده را هنگامى كه مرا بخواند اجابت مى‌كنم ».

\* تمام توبه‌های کامل و حقیقی مقبول و باثمر است (وَ لَا لِيَفْتَحَ لِعَبْدٍ بَابَ التَّوْبَةِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْمَغْفِرَةِ ).

مُعَرِّف كريمان

قال امیرالمؤمنین(ع): «أَوْلَى الَّناسِ بِالْكَرَمِ مَنْ عُرِفَتْ بِهِ الْكِرَامُ (حکمت436 ) ؛

شايسته‌ترين مردم به كَرَم كسى است كه بزرگان به آن شناخته می‌شوند ».

مقدمه:

میزان برتری و موازنه در هر چیزی متفاوت است، و میزان هر چیزی بر مبنای قدر و اندازه فطری اوست، هر چیزی به میزان خلوص از غیرش ارزش دارد.

نکته‌ها:

\* برترین افراد در بین مردم به میزان تقوایش است (أَوْلَى الَّناسِ بِالْكَرَمِ مَنْ عُرِفَتْ بِهِ الْكِرَامُ ).

\* عبارت «عُرِفَتْ بِهِ » یعنی عرف جامعه یکی از معیارها در شناخت افراد است، یعنی گاهی افراد به آن اعتباری که در بین عرف دارند شناخته می‌شوند.

\* در برخی روایات فرمودند: خداوند می‌فرماید اگر چهل نفر از مردم و مؤمنین در مورد شخصی که از دنیا رفته به خوبی یاد کنند او را می‌بخشم.

\* انسان کامل (به خاطر دارا بودن صفات حمیده به طور کامل ) ملاک اصلی ارزش‌گذاری انسان‌های دیگر است (عُرِفَتْ بِهِ الْكِرَامُ ).

\* شناخت و معرفت موجودات به اسماء و اوصاف آنهاست، و ذات هیچ موجودی قابل شناخت نیست (...مَنْ عُرِفَتْ بِهِ الْكِرَامُ ).

عدالت برتر است يا جود و بخشش؟

قال امیرالمؤمنین(ع): «وَ سُئِلَ(ع): اَيُّمَا اَفًضَلُ اَلًعَدًلُ اَوً اَلًجُوًدُ فَقَاَل: الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَ الْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا (حکمت437 ) ؛

از امام(ع) پرسيدند: از عدالت و بخشندگى كدام يك بهتر است، فرمود: عدالت چيزها را در جاى خود مى‌نهد و بخشندگى آنها را از جاى خود بيرون مى‌سازد، و عدالت نگهبان همه است ليكن بخشندگى تنها به كسى كه به او بخشش شده بهره مى‌رساند پس عدالت برتر و بالاتر است ».

مقدمه:

عدالت اين است كه هر كس و هرچيز در جاى خود باشد، روشن است كه در اين صورت تمام افراد اجتماع به تلاش و كوشش برمى‌خيزند تا بتوانند حق عادلانه خود را بگيرند در نتيجه جامعه در سايه عدالت، فعال و مترقى مى‌شود، اما جود و بخشش چنين نيست زيرا چيزى اضافه بر استحقاق افراد است كه البته در جاى خود بسيار خوب و شايسته است ولى اى بسا همين صفت خوب و شايسته سبب شود كه عده اى به تنبلى روى آورند و تلاش و كوشش را كم كنند.

نکته‌ها:

\* عدالت، يك اصل فراگير است و مسأله احسان در درجه بعد قرار دارد (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* مراد از عبارت «الْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا » این است که لطف و گذشت باعث ایجاد انتظار بی‌مورد در افراد غیراهل می‌شود.

\* هر کس حق خود و دیگران را بداند و رعایت کند باعث حفظ حریم انسان‌هاست (وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ ).

\* قرآن مجيد نيز در آيه 90 سوره نحل مى‌فرمايد: «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزديكان فرمان مى‌دهد، و از فحشا و منكر و ستم نهى مى‌كند، خداوند به شما اندرز مى‌دهد، شايد متذكّر شويد ».

\* البته گاهی در جامعه برخی مشکلات با احسان حل می‌شود، لذا جود و احسان در موارد خاص از عدالت برتر است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* قرآن درمورد قصاص در سوره بقره آيه 178مى‌فرماید: «فَمَنْ عُفِىَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَىْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَان ».

مردم دشمن چه چيزند؟

قال امیرالمؤمنین(ع): : «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا (حکمت438 ) ؛

مردم، دشمن آنچه را كه نمى‌دانند هستند ».

مقدمه:

جهل یعنی آدمی تصویری از شیء مجهول در ذهنش نداشته باشد، و یا جهل عملی این که انسان عمل مجهول را در خلق و خوی خویش نداشته باشد.

نکته‌ها:

\* ریشه دشمنی‌ها جهل و ریشه دوستی‌ها علم است (النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا ).

\* انسان فطرتا با جهل دشمن است و به سوی علم میل دارد (النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا ).

\* انسان فطرتا در جهل دشمنی نمی‌کند بلکه نفس در جهل انسان، او را به سوی دشمنی می‌کشاند.

\* کشوری که مسئولینش فعالیتشان را برای مردم اعلام کنند، باعث می‌شود اختلاس نشود و تخلفات کم می‌شود.

\* جهل ریشه تمام گناهان مانند سوءظن و کدورت بین انسان‌هاست.

\* علم و عمل صحیح آدمی را به مقام انسان کامل می‌رساند.

عصاره مفهوم زهد

قال امیرالمؤمنین(ع): «الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى ما فاتَكُمْ وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ (حکمت439 ) ؛

تمام پارسايى بين دو كلمه از قرآن است كه خداوند پاك مى‌فرمايد: " لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى ما فاتَكُمْ وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ " و كسى كه بر گذشته افسوس نخورد، و به آينده شاد نشد، پارسايى را از دو طرف دريافت كرده است ».

مقدمه:

مى‌دانيم زهد از امورى است كه در آيات و روايات درباره اهميت و فضيلت آن سخن بسيار آمده است ولى ماهيت و حقيقت آن براى گروهى ناشناخته است تا آنجا كه گاه كارهاى رياكارانه و گاهى ابلهانه را به حساب زهد مى‌گذارند.

نکته‌ها:

\* این آیة قرآن «لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى ما فاتَكُمْ وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ » تعریف بالاترین مرتبه زهد است، لذا زهد دارای مراتب است.

\* نشانه علاقه‌مندان به ثواب آخرت، زهد در زندگى زيبا و زودگذر دنياست (منهاج‌البراعة في شرح نهج‌البلاغة آیةالله خوئى ).

\* به خاطر گذشته از رحمت خدا مأیوس نشدن و توبه و جبران کردن گذشته، از زهد است (مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي ).

\* ممکن است انسان در گذشته زاهد نباشد و کسب کند و یا ممکن است زاهد صفت زهد را از دست بدهد (فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ ).

\* یک زاهد در واقع کسی است که دارای توحید کامل باشد.

\* مراد از عبارت «بِطَرَفَيْهِ » دو جنبه دنیاست، انسان در دنیا یا داراست و یا ندار و فقیر است.

\* ممکن است انسان فقیر باشد اما زاهد نباشد.

به وعده‌هاى اشخاص، زياد خوش‌بين نباشيد

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ (حکمت440 ) ؛

چه تصميم‌هاى روزانه كه خواب آنرا در هم مى‌شكند ».

مقدمه:

بسيار مى‌شود كه تصميم‌هاى محكمى امروز مى‌گيرند ولى شب مى‌خوابند و صبح بيدار مى‌شوند و به كلى آن را رها مى‌سازند گويى نه تصميمى گرفته بودند نه وعده‌اى داده بودند، و تفاوتی ندارد که تصمیمات بزرگ باشد یا تصمیمات کوچک، اجتماعی باشد یا شخصی باشد.

نکته‌ها:

\* انسان دارای نفس نباتی (که واسطه روح در تدبیر جسم است ) و نفس حیوانی است که همان بعد مجرد و باطنی انسان است، در خواب نفس حیوانی از جسم جدا شده و نفس نباتی همچنان جسم را مدیریت می‌کند.

\* تصمیمات و حالات انسان در خشم و غضب با یک خواب تغییر کرده و فروکش می‌کند (مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ ).

\* جسم در ارتباط با روح و فعالیت‌ها خسته می‌شود که با خواب این خستگی را رفع می‌کند (مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ ).

\* عبارت «مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ » يكى از نشانه‌هاى ناپايدارى دنياست که با یک خواب بود و نبودش تغییر می‌کند (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* منظور دیگر عبارت «مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ » اين است كه خواب زياد تصميم‌ها را سست مى‌كند و پرخوابى عامل عقب‌ماندگى و شكست است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

ميدان آزمون بزرگ

قال امیرالمؤمنین(ع): «الْوِلَايَاتُ مَضَامِيرُ الرِّجَالِ (حکمت441 ) ؛

حكومت‌ها ميدان‌هاى آزمون مردانند ».

مقدمه:

انسان‌ها را در ميدان‌هاى مختلفى مى‌توان آزمود، گروهى به وسيله مال و ثروت، گروه ديگرى به وسيله فقر و ناتوانى، ولى در ميان ميدان‌هاى آزمون به خصوص براى شخصيت‌هاى برجسته حساس‌ترين ميدان، ميدان حكمرانى است، آن‌جاست كه معلوم مى‌شود چه كسانى را غرور فرامى‌گيرد و پا از گليم خود فراتر مى‌نهند و چه كسانى به واسطه داشتن ظرفيت كامل تغييرى در وضع آن‌ها رخ نمى‌دهد.

نکته‌ها:

\* مسئولیت‌های حکومتی نشانه برتری و وسیله تکبر نیست بلکه امتحان الهی است (الْوِلَايَاتُ مَضَامِيرُ الرِّجَال ).

\* عبارت «الْوِلَايَاتُ » هر مرتبه از مسئولیت و سرپرستی مانند پدر بودن در منزل و ریاست در اداره و... را شامل می‌شود.

\* هر کس که ظرفیتش (چه در علم و سواد ظاهری و چه علم باطنی و تقوا ) بیشتر باشد امتحانش بزرگ‌تر است (الْوِلَايَاتُ مَضَامِيرُ الرِّجَالِ ).

\* ولایت و حکومت از مردان است نه از زنان (الْوِلَايَاتُ مَضَامِيرُ الرِّجَالِ ).

\* «مَضَامِيرٌ » جاى شناخت اسب تندرو است و آن جايى است كه اسبها براى مسابقه در كنار هم قرار می‌گيرند (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* نفس انسان چون اسب وحشی است اگر تربیت شود چون مرکبی قابل استفاده است، وإلَّا انسان را به دره‌های خطرناک می‌برد.

بهترين شهرها

قال امیرالمؤمنین(ع): «لَيْسَ بَلَدٌ بِأَحَقَّ بِكَ مِنْ بَلَدٍ خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ (حکمت442 ) ؛

هيچ شهرى از شهر ديگر براى تو شايسته‌تر نيست، بهترين شهرها آن جاست كه تو را تحمل كند ».

مقدمه:

گرچه حب وطن يك ميل باطنى عميق است و در احاديث اسلامى بر آن تأكيد شده ولى بسيار مى‌شود كه ماندن در وطن باعث عقب ماندگى و ذلت است در اين گونه موارد انسان بايد شجاعت به خرج دهد و از وطن خويش به جاى ديگر مهاجرت كند.

نکته‌ها:

\* انسان تا زمانی که در قید جسم مادی است محتاج بلد و سرزمین مادی است.

\* عبارت «ما حملك » يعنى آنجا كه آرامش حال و آرايش زندگى به دست آورى و اقامت در آنجا برايت ميّسر گردد (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* تعصب كور و كرانه به مکان خاصی به عنوان وطن، نه منطقى است و نه كمكى به زندگى انسان مى‌كند.

\* بهترین بلادی که انسان را تحمل می‌کند جایی است که اهالیش اعتقادات قرآنی او را همراهی کنند.

\* آب و هوا و نوع سازگاری جسم انسان با اقلیم نیز در تعیین محل زندگی تأثیر دارد.

\* محیط و محل زندگی در کمال انسانی مؤثر است.

مالك، بزرگ‌مرد نستوه

قال امیرالمؤمنین(ع): «وَ قَالَ(ع) وَ قَدً جَاءَهُ نَعِىَ اَلًاَشًتَرِ (رَحًمَةَاَلًلَّهِ علیه ): مَالِكٌ وَ مَا مَالِكٌ لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِنْداً لَا يَرْتَقِيهِ الْحَافِرُ وَ لَا يُوفِي عَلَيْهِ الطَّائِرُ، وَ قَالَ اَلًرَضِى: وَ اَلفِنًد، اَلمُنًفَرِدُ مِنً اَلجِبَالِ (حکمت443 ) ؛

وقتى كه خبر مرگ مالك اشتر (رحمت خدا بر او باد ) به امام(ع) رسيد، فرمود: مالك، امّا چه مالكى، به خدا قسم اگر كوه بود، كوهى بى‌نظير بود، و اگر سنگ بود سنگى سخت بود، كه هيچ رونده چالاك بر قلّه آن بالا نرود و هيچ پرنده‌اى به اوج آن نرسد، سيد رضى مى‌گويد: فِنًد، كوهى است كه از كوه‌ها جداست ».

مقدمه:

مالک بن یغوث نخعی معروف به مالک اشتر از شاخه نخع و از قبیله مِذحَج و اهالی یمن، از فرماندهان نظامی و بزرگ و از دلاوران شجاع و از یاران خاص امیرالمومنین(ع) بود، مالك اشتر از طلایه‌دار سپاه حضرت علی(ع) درجنگ صفین بود، او مردی بسیار قوی و از رهبران و بزرگان شیعه است و بسیار عالم و زاهد بود و با اینکه بر قوم خود ریاست داشت با فقر زندگی می‌کرد.

نکته‌ها:

\* لازمه یار خاص ولی‌الله بودن طهارت و شناخت حجت خدا و استقامت در بودن در رکاب امام است.

\* از ویژگی‌های حضرت مالک اشتر ولایت‌پذیری در تمام کارهایش بود.

\* جناب مالک اشتر در عین زهد و ساده‌‌زیستی، سیاست‌مدار، دشمن‌شناس و با بصیرت بود.

\* مالک اشتر جنگ‌جویی بود که آیه «وَ اَلذِّینَ مَعَهُ اَشِّدَاءُ عَلَی اَلکُفُّارِ رُحَمَاءُ بَینَهُم » در او ظهور داشت، یعنی با ضعیفان مهربان بود.

\* امیرالمؤمنین(ع) در روایتی فرمودند: «رَحِمَ‌اللهُ مَالِکَ کَانَ لِی کَمَا کُنتُ لِرَسُولِ‌اللهِ(ص) ؛ خداوند مالک را رحمت کند، او برای من آنچنان بود که من برای رسول خدا(ص) بودم (شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌‌الحدید ج15 ).

\* مالک اشتر الگوی وفاداری کامل به حجت خداست.

بهترين روش براى كار كردن

قال امیرالمؤمنین(ع): «قَلِيلٌ مَدُومٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ (حکمت444 ) ؛

كار اندكى كه دوام داشته باشد بهتر است از كار بسيار كه خستگى بياورد ».

مقدمه:

نبايد همچون كسانى بود كه وقتى مدح و فضيلت كارى را مى‌شنوند با شتاب به آن روى مى‌آورند و به صورتى خسته‌كننده آن را انجام مى‌دهند ولى چيزى نمى‌گذرد كه از آن ملول شده رهايش مى‌سازند چه بهتر كه انسان كار سبك‌ترى را انتخاب كند و همواره پرنشاط آن را انجام دهد، اين سخن.

نکته‌ها:

\* اصل استقامت و کسب مقام ملكه براى نفس است (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* عبارت «قَلِيلٌ مَدُومٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ » در تمام امور مانند عبادات و تهذیب نفس و خدمات اجتماعی و کسب علم و درمان بیماری در علم طب و... کاربرد دارد.

\* به اقتضای قانون تدریج در عالم ماده، ثابت شدن اخلاقیات در انسان نیاز به زمان دارد.

\* میزان کم یا زیاد بودن اعمال برای کسب مقام ملکه در نفس بستگی به ظرفیت نفس هر کس دارد.

\* هر کاری با استقامت و صبر نتیجه می‌دهد.

پيوند اخلاق نيك با يكديگر

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِذَا كَانَ فِي رَجُلٍ خَلَّةٌ رَائِقَةٌ فَانْتَظِرُوا أَخَوَاتِهَا (حکمت445 ) ؛

هرگاه كسى داراى صفتى شگفت‌آور باشد، نظير آن را از وى انتظار داشته باشيد ».

مقدمه:

وقتى بر شاخه درختى ميوه خوب و جالبى ببينيم دور از انتظار نيست كه همانند آن در شاخه‌هاى ديگر نيز يافت شود همچنين هرگاه انسان در جايى به قطعه سنگ قيمتى‌اى برخورد كند چه بسا كه نشانه وجود معدنى از آن در آن جا باشد، اين سخن در وجود انسان دليل روشنى دارد و آن اين كه كارهايى كه انسان به طور مكرر انجام مى‌دهد يك ريشه باطنى دارد كه در نهاد اوست و اين ريشه باطنى سبب مى‌شود كه مشابهات آن نيز در وى ظاهر گردد.

نکته‌ها:

\* عبارت «إِذَا كَانَ فِي رَجُلٍ خَلَّةٌ رَائِقَةٌ فَانْتَظِرُوا أَخَوَاتِهَا » در صفات حمیده و رذیله هردو جاری است، البته گاهی استثناء نیز وجود دارد (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* عبارت «إِذَا كَانَ فِي رَجُلٍ خَلَّةٌ رَائِقَةٌ فَانْتَظِرُوا أَخَوَاتِهَا » غالبا در زمانی است که صفات به ملکه تبدیل شده باشند (منهاج‌البراعة في شرح نهج‌البلاغة آیةالله خوئى ).

\* تمام صفات اخلاقى در جهت اخلاق حسنه يا رذيله با هم پيوند دارند و انسان جامع صفات است

\* امام حسن عسكرى(ع) در بحارالانوار ج 69 می‌فرمایند: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِى بَيت وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ ؛ تمام زشتى‌ها در اتاقى گذاشته شده و درِ آن قفل است و كليد آن دروغ مى‌باشد ».

\* براى شناخت افراد، غالباً مى‌توان روى يكى از صفات خوب يا بد آن‌ها تكيه كرد و آن را نشانه‌اى براى بقيه صفات دانست (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* در تهذيب نفس بايد مراقب باشيم كه اگر صفت زشتى در ما پيدا شد انتظار نفوذ بقيه زشتى‌ها را هم داشته باشيم (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

بهترين مصرف مال

قال امیرالمؤمنین(ع): وَ قَالَ(ع) لِغَالِبِ بًنِ صَعًصَعَةِ اَبِى اَلًفَرَزًدَقِ فِى كَلَامٍ دَارَ بَيًنَهُمَا: مَا فَعَلَتْ إِبِلُكَ الْكَثِيرَةُ قَالَ ذَعْذَعَتْهَا الْحُقُوقُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ذَلِكَ أَحْمَدُ سُبُلِهَا (حکمت446 ) ؛

امام (ع) به غالب بن صعصعه پدر فرزدق در ضمن سخنى كه ميان آنان رد و بدل شد فرمود: شتران بسيارت را چه كردى، عرض كرد: يا اميرالمؤمنين(ع)، حقوق مردم آنها را پراكنده ساخت، آنگاه امام(ع) فرمود: اين پراكندگى بهترين راه پراكنده شدن آنهاست ».

مقدمه:

در کتاب " تاريخ مدينه دمشق، نوشته ابن عساكر " آمده: فرزدق (شاعر معروف ) در طفوليت همراه پدرش خدمت اميرمؤمنان(ع) رسيد، فرزدق مى‌گويد: هنگامى كه با پدرم خدمت امام(ع) رسيديم، رو به پدرم كرد و فرمود: تو كيستى؟ پدرم گفت: غالب بن صعصعه فرمود: تو همان كسى هستى كه شتران فراوان داشتى؟ عرض كرد: آرى فرمود: با آنها چه كردى؟ عرض كرد: مشكلات و حقوق (زكات)، آن‌ها را پراكنده ساخت فرمود: اين بهترين راه مصرف آنها بود سپس فرمود: اين كودك كه با توست كيست؟ عرض كرد: فرزندم همام (فرزدق ) است او در اين سن و سال شعر مى‌گويد، فرمود: قرآن به او تعليم كن كه قرآن براى او بهتر است، فرزدق مى‌گويد: پيوسته سفارش على(ع) در ذهن من بود تا زمانى كه خود را مقيد كردم و سوگند ياد كردم كه تا قرآن را حفظ نكنم دست برندارم.

نکته‌ها:

\* شناخت احکام زکات و پرداخت آن بسیار با اهمیت است (ذَعْذَعَتْهَا الْحُقُوقُ ).

\* در پرداخت حقوق مالی، واجبات مانند: نفقه همسر و فرزندان، خمس و زکات، بر سایر حقوق مستحب اولویت دارند.

\* مراد از عبارت «ذَعذَعَتْهَا الْحُقُوقُ » تنها زكات نیست، بلكه حقوق واجب يا مستحب ديگر مانند: نفقه همسر و فرزندان، استفاده كردن در راه جهاد و كارهاى خير ديگر را نیز شامل می‌شود (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* یکی از حربه‌های شیطان این است که انسان را در پرداخت وجوهات سست کند (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* قرآن مجيد در سوره توبه آيه 98 مى‌فرمايد: «گروهى از اعراب باديه نشين، چيزى را كه انفاق مى‌كنند، غرامت محسوب مى‌دارند و انتظار حوادث دردناكى براى شما مى‌كشند حوادث دردناك براى خود آنهاست و خداوند شنوا و داناست ».

\* كسانى كه صاحب نعمتى هستند در خطرند تا حقوق واجب آن را بپردازند (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

هشدار به بازرگانان

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَنِ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْه فَقَدِ ارْتَطَمَ فِي الرِّبَا (حکمت447 ) ؛

كسى كه بدون آگاهى به تجارت بپردازد در رباخوارى غوطه‌ور مى‌شود ».

مقدمه:

در اسلام درباره تحريم ربا تأكيد بسيار فراوانى شده تا آنجا كه به رباخواران از سوى خدا اعلام جنگ شده است: «فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْب مِّنَ اللهِ وَرَسُولِهِ ؛ اگر دست از رباخوارى برنداريد خدا و پيامبرش به شما اعلام جنگ مى‌كنند (بقره آيه 279 ) » و آيات ديگرى در قرآن مجيد که از سرنوشت شوم رباخواران در روز قيامت و شامل شدن عذاب الهى در اين دنيا نيز برای رباخواران خبر مى‌دهد.

نکته‌ها:

\* «ارتطم » از ماده «رَطَمَ » به معناى فرو رفتن در چيزى است كه امكان بيرون آمدن از آن نيست، لسان العرب، می‌گوید اگر هم كسى بتواند از آن بيرون بيايد با اندوه سنگينى خواهد بود (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی ).

\* هر شخصی که می‌خواهد وارد کسب و کار شود، باید احکام اقتصاد اسلامی را کاملا بیاموزد.

\* ربا یا معاملى است، و آن خريد و فروش جنسى در مقابل جنس مشابه آن با مقدار اضافی است، مثلاً خريدن يك تن گندم نامرغوب در مقابل نيم تن گندم مرغوب، یا رباى قرضى، و آن اين كه انسان چيزى به ديگرى وام بدهد و در مقابل آن اضافه‌اى بگيرد (منهاج البراعة في شرح نهج‌البلاغة آیةالله خوئى ).

\* یکی از چیزهایی که در اقتصاد مقاومتی (که دستور مقام معظم رهبری است ) باعث تقویت اقتصاد کشور اسلامی می‌شود، ترک ربا در بانک‌ها و جامعه اسلامی است.

\* پيامبر اكرم(ص) در السنن الكبرى للبيهقى ج 5 فرمود: «كُلُّ قَرض جَرّ منفعةً فهو وَجهٌ مِن وجوهِ الرِّبا ؛ هر وامى كه جذب منفعتى كند نوعى رباست ».

\* از جمله خطرات ربا این که: تقسیم جامعه رباخوارى به دو گروه فقير و ثروتمند، نابودی مسائل اخلاقى، كينه شديد قشرهاى ضعيف از رباخوار (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* اگر شرط مبلغ اضافه بين وام دهنده و وام گيرنده نباشد ولى وام گيرنده در زمان پرداخت قرض به عنوان تشكر و هديه‌اى بر آن بيفزايد شرعاً اشكالى ندارد (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

مصائب كوچك را بزرگ نشمريد

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَنْ عَظَّمَ صِغَارَ الْمَصَائِبِ ابْتَلاَهُ اللّهُ بِكِبَارِهَا (حکمت448 ) ؛

كسى كه مصيبت‌هاى كوچك را بزرگ شمارد، خداوند او را به مصائب بزرگ مبتلا مى‌كند ».

مقدمه:

زندگى اين جهان خالى از مصائب نيست منتها هر كسى به يك شكل گرفتار مصيبت مى‌شود، شكست در ازدواج، بيمارى فرزندان، مشكلات كسب و كار، از دست دادن عزيزان، عوارض ناشى از خشكسالى‌ها و مانند آن، اى بسا خداوند رحيم مصيبت كوچك‌ترى را براى جلوگيرى از مصيبت بزرگ‌ترى براى بنده‌اش فرستاده است.

نکته‌ها:

\* مراد از عبارت «مَنْ عَظَّمَ صِغَارَ الْمَصَائِبِ... » بی‌تابی و ناشکری کردن است.

\* مصائب، گاه امتحان و گاه كفاره گناهان و گاه زنگ بيدارباش و گاه در ظاهر مصيبت ولی در باطن ارتقاء مقام و رحمت الهی است (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* مصائب برای ایجاد صبر است (منهاج‌البراعة في شرح نهج‌البلاغة آیةالله خوئى ).

\* هرکس با مصائب کوچک صبور نشود، خداوند با مصائب بزرگ‌تر دیگر صفت صبر را ایجاد می‌کند (منهاج‌البراعة في شرح نهج‌البلاغة آیةالله خوئى ).

\* حقیقت مصائب اینکه چون انسان طبعا از ألم و مصیبت گریزان است لذا با مصائب از کثرات و عالم ممکنات قطع تعلق می‌کند.

\* مراتب کبیر یا صغیر بودن مصائب به تناسب ظرفیت نفس انسان است.

تضاد شخصيت با شهوات سركش

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَواتُهُ (حکمت449 ) ؛

كسى كه براى خود شخصيت قائل باشد، شهواتش در برابرش خوار خواهند بود ».

مقدمه:

بديهى است كسى كه مى‌خواهد شخصيتش در ميان مردم و يا حتى براى خودش محفوظ بماند بايد از بسيارى از خواسته‌هاى نفس صرف‌نظر كند و آن خواسته‌ها در نظرش بى‌ارزش باشد، افراد هوى‌پرست كه جز شكم و شهوت چيزى نمى‌فهمند در نظر عموم مردم افرادى پست و بى‌ارزش‌اند و به همين دليل مطرود هستند.

نکته‌ها:

\* «شهوات » جمع «شهوت » به معناى خواسته دل است و معمولاً به مواردى گفته مى‌شود كه معقول نيست و يا به تعبير ديگر جنبه افراطى و ناپسند دارد (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* با معرفت نفس و عمل به دستورات اسلام کرامت نفس حاصل می‌شود.

\* طبق روایات و عقل در یک ظرف دو شیء متضاد قرار نمی‌گیرد، کرامت نفس و هواپرستی با هم در قلب انسان قرار نمی‌گیرد.

\* تعبير «هَانَت عَلَيهِ شَهَواتُهُ » مفهومش اين است كه خواسته‌هاى شهوانى نفس هیچ‌گاه از بين نمى‌رود بلكه در نظر انسان بى‌اهميت مى‌شود تا آن جا كه گويى وجود ندارد (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* قرآن مجيد در سوره ص آيه 26 خطاب به حضرت داود پيامبر(ع) مى‌فرمايد: «وَلاَ تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللهِ ؛ و از هواى نفس پيروى مكن كه تو را از راه خدا منحرف مى‌سازد ».

شوخى نامناسب

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَا مَزَحَ امْرُؤٌ مَزْحَةً إِلاَّ مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً (حکمت450 ) ؛

هيچ‌كس شوخى نكرد مگر اين كه مقدارى از عقل خود را فرو ريخت ».

مقدمه:

حقيقت مزاح آن است كه انسان سخنى غير واقعى بگويد ـ البته با قرائن حالى يا مقالى ـ كه مايه انبساط خاطر و تفريح شود ولى اين كار با اين كه در بسيارى از موارد پسنديده است و در اخبار به آن توصيه شده گاه مشكلات عظيمى به بار مى‌آورد.

نکته‌ها:

\* مزاح نامناسب یا افراطی مضراتی مانند هتک حرمت انسان در اجتماع می‌شود.

\* مزاح فی‌نفسه، چه حلال و چه حرام، باعث تَنَزُّل روح از توجه به مراتب بالا می‌شود.

\* علت مزاح‌های اهل بیت(ع) برای کم کردن هیبت خود در دید اطرافیان است تا افراد از شدت هیبت آنها دوری نکنند.

\* پيغمبر اكرم(ص) در شرح نهج‌البلاغه ابن ابى‌الحديد ج6 می‌فرماید: «إنّى أمزَحُ ولا أقولُ إلاّ حقّاً ؛ من مزاح مى‌كنم ولى جز حق نمى‌گويم ».

\* گاهى مزاح، توأم با گناهانی چون تمسخر و غيبت و تهمت است كه آن نيز از گناهان كبيره مى‌باشد (شرح نهج‌البلاغه آیةالله مکارم شیرازی ).

\* اسلام، دین نشاط و سرور روح و جسم است، اما گاهی با مزاح حلال و حکمت‌آموز و خندیدن
و گاهی با اشک برای اهل بیت(ع) و با ترک حرام برای الله.

مناسبت‌ها:

روز: بیست و پنجم شوال (28 خرداد )

مناسبت: شهادت امام جعفر صادق(ع)

قال الله تعالی: «وَ اُوحِیَ اِلَیَّ هَذَا اَلقُرَآنُ لِاُنذِرَکُم بِهِ وَ مَن بَلَغَ (سوره انعام آیه19 ) ؛

و این قرآن به من وحی شده تا شما را با هر که بدو رسد بترسانم ؛ امام صادق(ع) فرمودند: منظور از " مَن بَلَغَ " امام از آل محمد(ص) است که او به توسط قرآن انذار می‌کند، همچنان که رسول‌الله(ص) انذار می‌فرمودند ».

مقدمه:

پیامبر(ص) فرمود: به هنگامی كه پسرم " جعفر بن محمد " بدنیا آمد او را صادق بخوانید بدان خاطر كه در تداوم امامت، فرزندی به دنیا می‌آید كه به همین نام (جعفر ) موسوم می‌شود، بدون حقی دعوی امامت می‌كند و او را جعفر كذاب می‌نامند (زندگانى امام جعفر صادق(ع)، ترجمه بحار الأنوار ). از دیگر القاب امام صادق(ع) فاضل (دارای فضیلت و برتری از جهات مختلف) قائم (به معنی ثابت و پایدار ) طاهر (پاک از هر پلیدی ) کامل (کسی که از عیب‌ها منزه و دور و برکنار است ) می‌باشد.

نکته‌ها:

\* رسالت حضرت محمد(ص) وائمه(ع) جهانى و جاودانى و براى همه‏ مردم در همه‏ عصرها و نسل‏هاست (لانذرکم به و مَن بلغ ).

\* امامت ادامه راه نبوت و برای برقراری توحید در تک تک امورات زندگی بشر است.

\* قرآن، همان‌گونه که بر پیامبر اسلام(ص) نازل شد، با تمام حقایقش بر امام صادق(ع) و سایر أئمه(ع) نازل شده است.

\* تا قانون به مردم ابلاغ نشود، توبیخ و مسئولیّتى در کار نیست (و من بلغ ).

\* از جمله شرایط لازم براى رهبر آسمانى: ایمان به مکتب (اوحى الى هذا القرآن ) امید به آینده (و مَن بَلَغ ) است.

\* مهم‌ترین فعالیت‌های امام صادق(ع) در مبارزه با انحرافات عبارتند از: بیان و شرح اصول اعتقادی صحیح، پاسخ به شبهات و سؤالاتی که از ناحیه مسلمانان و شیعیان مطرح می‌شد، جلسات درس و تعلیم و تربیت شاگردان متخصص، مناظرات علمی امام صادق(ع).

\* امام جعفر صادق(ع) فرمود: «من أحب لله و أبغض لله و أعطي لله فهو ممن كمل إيمانه ؛ هر كه براي خدا دوست دارد و براي خدا دشمن دارد و براي خدا عطاء كند، از كساني است كه ايمانش كامل است (اصول كافي ج 3 ).

روز:بیست و نهم شوال (1 تیر )

مناسبت:روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی

در آیه 33 از سوره فصلت، قال الله تعالی: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِّمَّن دَعَا إِلَى اللهِ وَعَمِلَ صَلِحا و َقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (سوره فصلت آیة 33 ) ؛

و کیست خوش‌گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید: من از تسلیم شدگانم؟ ».

مقدمه:

تبلیغ، از ریشه «بلوغ » و «بَلَاغَ » به معنای رساندن کامل پیام، خبر، اندیشه و سخن به دیگری است و «مبلّغ»، کسی است که با همه توان تلاش می‌کند تا موادّ تبلیغی همراه خود را به مقصد نهایی ـ که اندیشه و دل مخاطب است ـ برساند، در قرآن کریم، واژه «تبلیغ» و مشتقّات آن، 27 بار تکرار شده است، البته عناوین دیگری مانند: هدایت، دعوت، موعظه، تبشیر، تخویف، انذار، امر به معروف و نهی از منکر نیز با عنوان تبلیغ، ارتباط نزدیک دارند، اما هیچ یک، از بار فرهنگی واژه «تبلیغ » در انتقال پیام‌ها برخوردار نیست.

نکته‌ها:

\* مهم ترین وظیفه پیامبران الهی و ادامه دهندگان راه آنان تبلیغ و آگاهی جاهلان است.

\* تبلیغ و رساندن پیام دین به مردم، وظیفه‌ای شرعی و همگانی است.

\* بهترین راه استفاده از کلام، برای تبلیغ و هدایت بشریت است (وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِّمَّن دَعَا إِلَى اللهِ ).

\* بهتریت روش برای تبلیغ، عمل صالح در مسیر دستورات اسلام است (وَعَمِلَ صَلِحا و َقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ).

\* اولین گام در راستای تبلیغ مطلوب، آگاهی مبلّغ از دین و ابعاد نورانی آن است.

\* تبلیغات باید با محوریت آیات و روایات اهل بیت(ع) باشد.

\* برای یک مبلّغ دین ویژگی‌هایی چون اخلاص، شجاعت، پایداری، سعه صدر، راستگویی، شکیبایی، فروتنی، ادب، خیرخواهی، مدارا، آگاهی، انتقاد پذیری، نرم خویی، مهربانی، درد آشنایی، آراستگی، ساده زیستی، برخورداری از نظم و... ضروری می‌باشد.

\* یکی از مسائل مطلوب برای مبلغان دینی، آشنایی با دست کم یکی از زبان‌های زنده دنیاست.

\* عنصر اصلی تبلیغ، ارتباط با بندگان خداست که از دو وسیله زبان و قلم می‌توان سود جست.

\* استفاده از روش‌های القای غیر‌مستقیم می‌تواند در اطلاع رسانی دینی نیز سودمند باشد، روش‌هایی چون فیلم، کارتون، تئاتر، نقاشی، خط، بازی‌های رایانه‌ای، مسابقه و... .

\* حضرت امام خمینی(رحمه الله علیه) می‌فرمایند: «از روحانیون عظیم‌الشأن تقاضا دارم که با طبقات جوان به چشم عطوفت و پدری نظر کنند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی، راه راست اسلامی را نشان آنها دهند و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فورا رنگ التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یک‌باره به وادی تردید و شک انداخت ».

\* استاد شهید مرتضی مطهری می‌نویسد: «پیامبر اسلام، در تبلیغ اسلام سهل گیر بود، نه سخت گیر، بیش‌تر بر بشارت و امید تکیه می‌کرد تا بر ترس و تهدید، در کار تبلیغ اسلام، تحّرک داشت ( یعنی بسیار فعال بود ).